

## نقش سادات و علما در حقوق شهروندی عصر صفویه

زینب خاتون کردی\*، طاهره کردی\*\*

### چکیده

با به قدرت رسیدن صفویه؛ ایران پس از قرن‌ها از یوغ حکومت بیگانگان بدر آمد. با اعلام رسمی مذهب شعیبه به عنوان دین رسمی کشور جغرافیای جهان اسلام به هم خورد و دردل سرزمینهای اسلامی کشوری با نژاد ایرانی و مذهب تشیع قد علم کرد. شاه اسماعیل به عنوان پایه گذار این حکومت جهت نشر و انتشار شیعه در کشور و طرح و تبیین قوانین و مقررات تازه‌ای که منطبق بر فقه شعیبه امامیه باشد. از علما و متفکران شیعی دعوت به عمل آورد. ایران پایگاه امن و محل گسترش شیعه در جهان گردید. دولت صفوی سنگ بنا؛ سیاست و مذهب را بنیان نهاد. مناصب حکومتی و سیاسی خاص علماء و سادات در دربار؛ رابطه تنگاتنگی را بین حکومت و طبقه روحانیت موجب گردید. علماء که اکثراً از سادات و دارای منزلت اجتماعی بودند؛ دارای مناصبی چون صدر؛ شیخ الاسلام؛ ملا باشی قاضی؛ کلاتر؛ و نقیب گردیدند بعضی از این مناصب خاص سادات بود. تدوین قوانین و مقررات جامعه طبقاتی صفویه؛ برای شهروندان (در آن زمان همه کسانی که در ایران زندگی می‌کردند رعیت شاه محسوب می‌شدند.) با فتوا نوشته می‌شد. علماء تدوین گران حقوق مردم و ناظر بر اجراء احکام صادره بودند که از تولد تا پایان مرگ را در بر گرفت بدین ترتیب علما با حقوق شهروندی مردم ارتباطی مستقیم داشتند و در برابر قدرت مطلقه می‌توانستند مدافعان حقوق رعیت باشند. اعلام سیادت صفویه و علائق مذهبی آنان؛ و ازسویی علاقه و تائید حکومت از سوی بسیاری از علماء و دادن مشروعیت مذهبی به صفویان؛ طبقه

---

\* کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی (Z\_kordi90@yahoo.com)

\*\* کارشناس ارشد علوم اجتماعی

رو حانیت و حکومت را آنقدر به هم نزدیک کرد که گویی نیمی از درخت حکومت مقتدر صفویه می‌باشند. علماء از ارکان مهم فرهنگی و اقتصادی دولت بودند. به طوری که در بعضی از ادوار قدرت نفوذ علماء بر شاه از همه لشکریان و درباریان دیگر بیشتر می‌گردید. تعداد علماء ایکه در این عصر به مناصب حکومتی وارد نشدند انگشت شمار می‌باشد. این پژوهش بر آن است با بیان مناصب حکومتی واداری که خاص علماء و سادات بوده است. ارتباط این طبقه را با حقوق شهروندی به تصویر بکشد.

**کلید واژه:** علماء؛ سادات؛ صفویه؛ حقوق شهروندی.

#### مقدمه

حقوق شهروندی امروزه به مجموعه قوانین و ارزشهای حاکم در هر جامعه برای افراد و جایگاه اجتماعی آنان با توجه به زمان و منطقه جغرافیایی گفته می‌شود. حقوق شهروندی هر کشور رابطه ایی مستقیم با نگرش زمانداران و دولت حاکم و یا احزاب غالب در آن کشور دارد. شروع مبحث حقوق شهروندی در سیر تاریخی خود با تشکیل اولین تمدن‌ها بوجود آمده و همراه با ظهور ادیان و رشد فرهنگ انسان حقوق شهروندی جوامع نیز دارای تغییر و تحول گردید. ظهور و رشد یهودیت؛ مسیحیت؛ و اسلام حقوق شهروندی متفاوتی را در جوامع بشری بوجود آورد. در کشور ایران دین رسمی کشور زرتشتی؛ و جامعه دارای طبقات اجتماعی بود که حاکمان بسیار به آن پایبند بودند به همین دلیل قوانین حقوق شهروندی با نگرش طبقاتی وجود داشت. با ورود اسلام و داعیه برابری انسانها؛ قوانین تازه‌ای نگاشته شد که به مرور با حاکم شدن امویان و تعصبات نژادی حقوق مورد انتظار ایرانیان تحقق نیافت. و ایرانیان شهروند دوم در جامعه اسلامی و عرب؛ نژاد برتر جامعه طبقاتی تازه ظهور گردید. قیام عباسیان در لوای "تولی آل محمد" و با کمک ایرانیان جهت دستیابی به حقوق آرمانی برابری و برادری صورت گرفت که آن نیز پس از پیروزی با روی کردهای غیر اسلامی به انحرافی دیگر انجامید. اما زمینه رشد بسیاری از ایرانیان را فراهم آورد. با وجود حمله مغولان و بلایا عظیم کشور در جامعه اسلامی؛ که ایران نیز جزئی از آن به حساب می‌آمد؛ اندیشمندانی چون فارابی؛ خواجه نظام الملک؛ خواجه رشیدالدین فضل الله

رشد یافتند و آثاری ماندگار از خود بجا گذاشتند. اینان تدوین گران برنامه‌های جامعی گردیدند که اگر قوانین و نظرات آنان در جامعه اجرا می‌گردید؛ زمینه رشد و اعتلای انسان در کل جهان می‌گردید. در قرن نهم کشور ایران سرزمینی از هم پاشیده و ناامن بود. در هر گوشه و کنار این سرزمین امرا و حکمرانانی بودند که دائماً "بر سر قلمرو و قدرت با هم جنگ و کشمش داشتند این بار مردم با اعتماد به خانقاه شیخ صفوی در اردبیل و ابراز ارادت به آن پایگاه زمینه به حکومت رسیدن صفویه را فراهم آوردند. با اعلام مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی در دل قلمرو سرزمینهای اسلامی؛ کشوری با هویت ملی ایرانی و مذهب رسمی شیعه و بصورت یکپارچه با قلمرو تقریبی حکومت ساسانیان بوجود آمد مینو رسانی در سازمان اداری حکومت صفوی. می‌گوید. "شرق شناسان عموماً" دولت صفویه را یک دولت ملی ایرانی میدانند". ایران صفویه نیاز به قوانین شهروندی جدیدی داشت که منطبق بر مذهب شیعه باشد و تدوین گران این قوانین فقیهان شیعه بودند که در بسیاری از مواقع نیاز به اجرا قوانین نیز به عهده خود فقیه بود سادات به عنوان فرزندان و نوادگان پیامبر در کسب علوم مذهب همیشه پیش قدم بودند و بسیاری از علما خود از سادات بودند. بدین ترتیب در موارد بسیاری تاثیر و نقش تدوین گران و مجریان یکی می‌گردید.

#### بیان مسله و سوال مسئله:

راجر سیوری جامعه صفوی را هرمی شکل میداند که شاه در اس قرار دارد و صاحب منصبان عمده دولت ارکان حکومت خوانده می‌شوند. وزیر در راس دیوانسالاری قرار داشته و اعتمادالاسلطنه نامیده می‌شود. (راجر سیوری. ایران عصر صفوی؛ ص ۱۷۶). علماء و سادات در جامعه صفوی دارای ارج و منزلت بوده و فتوا آنان در امور شخصی و زندگی مردم نقش بسیار داشت و وجود موقوفات پر درآمد در این دوره روحانیت را در میان دربار و مردم قرار می‌داد. مناصب فرهنگی و مالی و اداری و رشد تفکرات امامیه حرکت روحانیت را در این عصر پر رنگ می‌کند روحانیت از سویی حامی حکومت شیعی مذهبی است که از مشروعیت سیادت نیز برخوردار است. و از سویی دیگر به علت داشتن مناصب قضاوت؛ کلاتر؛ و ناظر و قوف با قشر بازار و صنعتگران و دیگر صنوف سر و کار دارد. این پژوهش با بررسی مشاغل روحانیون سعی در پاسخ

به سوال زیر می‌باشد.

۱- میزان نقش سادات و علماء به عنوان تدوین گر و مجری در عصر صفویه؟

#### پیشینه تحقیق:

عصر صفویه به عنوان یکی از مهمترین دوران تحول ایران مورد استقبال بسیاری از پژوهشگران شرق شناس و ایرانیان بوده است. در خصوص دین و مذهب دکتر رسول جعفریان تا کنون در چهار دفتر به طور مفصل و با زیر بینی پژوهشهای ارزشمندی ارائه نموده اند. خانم دکتر مریم میر احمدی نیز یک جلد کتاب بیشتر در خصوص سیاست مذهبی صفویان نوشتند. یک پایان نامه با عنوان موقعیت سادات در دولت صفوی از شاه عباس تا سقوط نویسنده صدیقه محمدی با راهنمایی استاد حسین میر جعفری در دانشگاه اصفهان نوشته شده که دسترسی به آن تنها با حضور در دانشگاه امکان پذیر می‌باشد. رساله دکتری با عنوان تبیین تاریخی سیادت و نقش و جایگاه سادات در دوره صفویه نوشته حسن الهیاری به راهنمایی سید هاشم آقاجری در دانشگاه تربیت مدرس که مقاله جایگاه سادات در منصب کلانتری در مجله جامعه شناسی تاریخی دوره ۷ شماره ۱ از آن ارائه گردیده. مقاله دیگری به نام مناسبات و حانیان با دولت در عصر صفوی نویسنده مریم زارعیان در همان مجله دوره ۴ شماره ۲ نوشته شده در سایت اینترنتی تبیان و پایگاه اینترنتی نت نیز می‌توان نوشته‌های در این خصوص مطالعه کرد.

#### حکومت سیاسی و مذهبی صفویه

شروع نهضت صفویان در ایران و نحوه دعوت این خاندان از طریق ترویج تشیع صفوی در آغاز دو قرن بطول کشید. خانقاه شیخ صفی با مقبولیت عام و گسترده مرکز تمرکز و وحدت مذهبی مریدان آن گردید. و توانست در سرتاسر ایران و آناتولی پیروان و مریدانی دور هم گرد آورد که مراد خود را در حد خدایی می‌پرستیدند. این مقبولیت تا بدانجا بود که تیمور به دیدار شیخ خانقاه آمد و "دهات و مزارع بسیار از مواضع تلوار و قزل اوزان و کمره اصفهان و همدان و غیره خرید؛ وقف اولاد ذکور حضرت سلطان خواجه علی نمود" (ابدال زاهد؛ سلسه النسب صفویه؛ برلین

## نقش سادات و علما در حقوق شهروندی عصر صفویه ■ ۶۹

۱۳۴۳) ص ۴۸ در تمام این سالها این خاندان جنبش و حرکتی سیاسی و معنوی داشتند. این حرکت انچنان فراگیر شد که توانست به پیروزی شاه اسماعیل منجر شود و خاندان صفویه بتواند سیاست و مذهب را به موازات هم به قدرت برساند و البته از تصوف به مذهب برسند "اعلام رسمی مذهب شیعه علاوه بر قزلبان شعیان ایران نیز ازادی عمل برای اجرای فریضه‌های مذهبی خود به دست آوردند" (پارسا دوست شاه اسماعیل ص ۶۷۹) با. این نوآوری و تغییر مذهب حکومت؛ برای جلوگیری از دچار سردرگمی و بی‌نظمی اجتماع نیاز به قوانین و مقررات جدید بود. "بعد از اعلام مذهب رسمی کشور از سوی اسماعیل نیاز عاجلی برای همگونی فکری از طریق ارشاد و تسریع اشاعه عقاید شیعی پدید آمد. (راجر سیوری. ایران در عصر صفوی) ص ۲۹. شاه جهت حل مشکل از علما و فقیهان شیعی در اقصی نقاط سرزمینهای اسلامی دعوت بعمل آورد. با آمدن علماء بلند پایه شیعه از جبل‌العالی و دیگر نقاط حضور علما در دربار و کنار حکومت آغاز گردید. در دوره شاه طهماسب این حضور گسترده‌تر و چشم‌گیرتر می‌باشند نحوه حکومت در آن زمان سلطنتی بوده و سخن شاه قانون کلی مملکت محسوب میشد اما خواست خود شاه؛ همراه با احترام به سیادت و فقاہت از سوی شاهان صفوی موجب گردید تا فتوا علما به صورت اجماع و یا سخن صدر به عنوان بزرگترین عالم؛ برای مردم یا همان رعیت و جامعه قانون گردد. حضور گسترده علما و بزرگی چون محقق کرکی و علاقه زیاد شاه طهماسب به ایشان مناصب جدیدی مانند شیخ الاسلام را به وجود آورد "اداره امور عرفی به صورت مستقیم به شاه واگذار شد. و امور شرعی در اختیار مجتهد قرار گرفت امور شرعی در دو بخش به صدر و شیخ الاسلام واگذار شده و به مرور کار صدر اداره موقوفات و امور وابسته به آن و کار شیخ الاسلام نظارت بر اجرای امور شرعی در حد گسترده تری بود" (رسول جعفریان. صفویه در عرصه دین و فرهنگ؛ و سیاست ج ۱ ص ۱۲۲)

### علما و مناصب حکومتی

۱- مقام صدارت: از جمله این مقام‌ها، مقام صدارت بود که به علمای بزرگ داده می‌شد و لقب کسانی که «صدر» بود، می‌توان به افراد زیر اشاره کرد. به صدرها عنوان «نواب» یا نمایندگان شاه نیز داده بودند. و منصب صدر در این دوره در وزیر اعظم

ادغام می‌شد صدر به روایت تذکره الملوک، "عالی‌ترین مقام بود او رئیس دیوان روحانی بود. نصب حکام شرع و مباشران اوقاف و قضاوت درباره جمیع سادات، علما، شیخ الاسلام‌ها، وزرا و مستوفیان از وظایف وی بوده است دادگاه‌های چهارگانه (دیوان اربعه) بدون حضور صدر حکمی صادر نمی‌کرد" (تذکره الملوک. ص ۷۴). مقام «صدر» در زمان شاه اسماعیل یکم و سپس در عصر شاه طهماسب نفوذ و گسترش بیشتر یافت. در عهد شاه عباس یکم، دو مقام صدر وجود داشت که وظایف آنان تفکیک نشده بود. در عهد شاه عباس یکم مقام صدر را مدتی خودش به عهده گرفته بود. در عهد شاه عباس دوم منصب صدر در شغل وزیر اعظم ادغام گردید و قوفات با توجه به در آمد فروان آن از مهمترین نهادهای دوره صفویه می‌باشد که صدور قوانین و نظارت بر اجرای آن بر عهده صدر بوده است. با توجه به اینکه مدارس مذهبی بسیاری از سوی بزرگان تاسیس می‌شد مراکزی مانند بازار؛ باغ؛ حمام؛ برای هزینه مدارس وقف می‌گردید.

... مینورسکی "کسی به عنوان وزیر موقوفات و یا مستوفی موقوفات وجود داشته" (سازمان اداری صفویه ص ۱۴۸).

در عهد شاه سلیمان صفوی مقام صدر به صدور (نواب) خاصه و عامه تقسیم شد، وظایف «صدر» خاصه پرداختن به امور خالصه سلطنتی بود و رسیدگی به املاک عامه مردم به عهده صدر عامه قرار داشت. "صدر خاصه متصدی موقوفات سلطنتی در سال بیش از چهار صد هزار تومان عایدات داشت. (شاردن ج ۹ ص ۱۴۲). "عایدات املاک موقوفه به حدود هشتصد هزار تومان بالغ می‌شده است. و مساجدی در ایران بوده است که ۴۰۰ فرانک در آمد موقوفات آن می‌شده است". (شاردن ج ۸ ص ۴۱۳)

«صدر خاصه» زیر نظر «صدر عامه» انجام وظیفه می‌کرد. صدر عامه یا صدر الممالک نیز بوده است که گاهی به یک نفر تعلق داشت. بعدها این مقام در عهد سلطان حسین یکم که عالی‌ترین مقام دربار صفوی بوده است، به مقام ملاباشی تبدیل شد. در این دوره ملاباشی عالترین مقام در دربار صفوی بوده است. مقامات صدر اجازه ازدواج با شاهزادگان خاندان صفوی را داشتند (اسکندر بیک ترکمان. عالم آرای عباسی؛ ج ۲ ص ۹۲۹) و این نوعی تلفیق قدرت علما و دربار بود. مقام صدر خاص علماء

سادات بوده است .

۲- لقب شیخ الاسلامی: شیخ الاسلامی عالی‌ترین و مطلع‌ترین مقام قضایی آن عصر بود که گاهی مستقل و گاهی تحت نظارت مقام روحانی دیگری عمل می‌کرد و شیخ‌الاسلام پایتخت، عهده دار آن بود . «شیخ الاسلام» عهده دار دعاوی شرعی، امر به معروف و نهی از منکر، رسیدگی به اموال غایبین و یتیمان بوده است. شیخ‌الاسلام نیز اجازه ازدواج با زنان دربار را داشته است

۳- مقام ملا باشی: عالی‌ترین مقام روحانی تشکیلات دولت صفویه بود و مقامی بود که صلاحیت صدور اجازه ازدواج با شاهزادگان خاندان صفوی را داشت . این مقام را برای اولین بار سلطان حسین صفوی به علامه مجلسی داد(محمد دبیر سیاقی، تذکره الملوک، ترجمه رجب نیا و میرزا رفیعا، دستورالملوک) و این منصب در واقع جایگزین منصب صدر که بالاترین مقام روحانی در عصر صفویه بود، گردید . پس از رحلت علامه مجلسی، لقب ملباشی به ملا محمد حسین داده شد(مریم میر احمدی، ص ۶۳، ۶۴) .

ملا باشی سرکرده تمام ملاها و درازمنه سابقه سلاطین صفویه ملباشی گری ؛ منصب معینی نبود بلکه افضل فضلالی هر عصری در معنی ملباشی ؛ در مجلس پادشان نزدیک به مسند ؛ مکان معینی داشته ؛ احدی از فضلا و سادات نزدیک تر از ایشان در خدمت پادشاهان نمی شستند . وایشان به غیر از استدعای وظیفه به جهت طالب علمان و مستحقین و رفع تعدی از مظلومین و شفاعت مقصرین و تحقیق مسائل شرعیه و تعلیم ادعیه و امور شرعیه به هیچ وجه به کار دیگری دخل نمی کرد . میرزا سمیا. تذکره الملوک ص ۵۶۹

۴-قاضی عسکر» مقام دیگری بود که عهده دار امور روحانی لشگر بودو ابتدا مشاور کشیک خانه دیوان بیگی بود و بعدها وظیفه رسیدگی به احکام شرع قاضی عسکر به صدر شد و «قاضی عسکر» در اواخر عهد صفویه تنها به مطالبه سربازان و اثبات دعاوی آنان می‌پرداخت (مریم میر احمدی . ص ۶۴)

۵-قاضی از نظر وظائف قضائی دارای اختیارات محدودی بود ووظیفه وی تشخیص دعاوی شرعیه مردم ؛ نکاح ؛ طلاق ؛ وصایا ؛ ضبط مال یتیم ؛ و عائب و . . بود در بعضی

از دوره‌ها وظایف قاضی و شیخ الاسلام بدرستی مشخص نیست و وظایف آنان در یکدیگر ادغام می‌شد. بعضی از قضات مانند قاضی پایتخت از توجه و قدرت خاصی برخوردار بودند. همان منبع ص ۶۴

۶- نقیب؛ مناصب روحانی دیگر نیز چون: خلیفه الخلفاء، نقیب النقباء، وزیر، مستوفی، متصدی موقوفات، مجتهد، قاضی القضاة، مؤذن و حافظ در عصر صفویه وجود داشت ساکت؛ محمد حسین. نهادهای دادرسی در اسلام ص ۴۸۲

نقیب از قبل از صفویه وجود داشته نقیبان متصدی امر سادات به عنوان یک طبقه اجتماعی بوده‌اند که دارای خواستگاه اجتماعی جدایی بودند. نقیب خاصه وظایفی بدین شرح داشت " و کار آنان تهیه شجره ناممه و سلسله انساب برای سات صیانت از شجره هاهای هر شهر یا منطقه ثبت موالید و متوفیات ایجاب سادات به حفظ شئون اخلاقی و وقار امتناع از استنکاف سادات به مشاغل سخیف آنها سادات ارز ارتکاب و منکرات و محرمات. پیشگیری استشراف ومدعیان سادات نسبت به دیگران؛ استیفاء حقوق سادات از دیگران وبالکس؛ جلوگیری از مزاحمت دختران و پسران سادات از با افراد غیر صالح؛ امر به معروف ونهی از منکر و موعظه خاطیان سادات که حدود بر آنان مترتب نشده است.؛ صیانت از موقوفات و سعی در ترازید حاصلات وقف؛ شناسائی مستحقیق و تقسیم عائدات موقوفات و مباشرات متصدیان موقوفات.

در نقابت عامه وظیفه قضاوت داشته که فقاہت و اجتهاد شرایط و الزامات آن بوده اقامه حدود قضا سادات ازدواج دختران سادات بی سرپرست و اعاده اموال ضبط شده حکم شرعی و ولایت امر ایتمام سادات؛ صدور حکم شرعی و اقامه حدود قضائی بر مجرمین سادات؛ صدور حکم تزویج بنات سیده فاقد ولی و نیابت بر ولایت آنها صیانت مال محجورین سادات و اعاده اموال ضبط شده پس از سلامت " اضغر فردی سلسله سادات الاعرجیه ص ۲۶)

۷- وکیل حلالیات یکی دیگر از مشاغل روحانیون در این دوره بود این منصب مخصوص شخص شاه بود از آنجا که بیشتر درآمدهای عادی دربار از راه‌های ی بود که مشروعیت فقهی آنها زین سؤال بوده برخی شاهان کوشیدند تا درآمدی حلال برای خود تأمین کنند این در آمد به طیور معمول با اجاره دادن برخی املاک یا مغازه هابا نرخ بسیار پائین صورت می‌گرفت. رسول جعفریان؛ صفویه دین؛ فرهنگ؛ سیاست ج



#### ۸- امامت جمعه

امامت جمعه از نظر علماء شعیه دو نوع مطرح گردید گروهی به وجوب آن حکم دادند و گروهی دیگر به واجب عینی بودن آن محقق کرکی نخسین فقیه با نفوذ در دربار بود که امر به برپایی آن کرد. (جعفریان؛ رسول؛ صفویه در عرصه دین و سیاست؛ ج ۱؛ ص ۲۶۲)

این منصب در شهرهای مهم به عهده شیخ الاسلام بوده اما شاه نیز گاهی فردی را بدون داشتن شیخ الاسلامی امام جمعه می کرده است فیض کاشانی از این نمونه می باشد. همان منبع؛ ج ۲ ص ۲۳۷.

حضور سادات و علما در همه عرصه های اجتماعی دیده می شد امور جاری مردم ارتباطی مستقیم با نظر علماء داشت. حقوق و درآمد این مناصب از راه های مختلفی چون واگذاری چند پارچه آبادی و روستا و یا در موارد دیگر از درامد موقوفات که بسیاری از علماء ناظر در امر موفات بودند که صاحب وقت سهمی را برای ناظر مشخص می کردند. "سنت رایج در نظامهایی که بخش های اصلی در آمدشان از زمین به دست می آمد و واگذاری اراضی و درآمد آن به صاحب منصبان بوده است این در آمد که تضمین شده بود صرف نظر از اینکه بار حقوق این از خزانه دولت کم می شد منبع در آمدی نیز برای دولت بوده است. هما ص ۲۴۹.

#### ۹- کلانتر

نویسنده تذکره الملوک در خصوص وظایف کلانتران چنین می گوید. تعیین کدخدایان محلات و ریش سفیدان اصناف با مشارالیه است؛ به این نحو که سکنه هر محله و هر صنف و هر قریه هر که را امین و معتمد دانند فیما بین خود یقین و رضانامچه به اسم او نوشته و مواجهی در وجه او تعیین نموده و به مهر نقیب معتبر نموده به حضور کلانتر آورند و تعلیقه و خلعت از مشارالیه به جهت او باز یافت نمایند. میرزا سمعی؛ ۱۳۶۸- (۴۷)

با توجه به گفته میرزا سمعی کلانتران مسئول تعیین؛ تعیین کدخدایان و ریش سفیدان

مسئول دریافت مالیات بازاریان برای دولت؛ نظارت بر بازار و رسیدگی به شکایات بازاریان و مردم؛ کار کلانتران مانند شهرداران امروزی بوده است این افراد از بین سادات که دارای منزلت اجتماعی و رابطه حسنه‌ای با مردم داشتند؛ انتخاب می‌شدند.

### جایگاه اجتماعی سادات در بین مردم

با توجه به نبودن وزارت خانه به شکل امروزی در آن زمان و قوه قانگذاری و یا قضائیه و آموزش عالی و پرورش علماء قانون گذاران و مجریان در سر تاسر کشور بودند کودکان جهت علم از مکتب با یک روحانی سرو کار داشتند تا آخرین مرحله تحصیل که در حوزه‌های علیمه رسمی کشور به پایان می‌رسید و مصادر حقوقی را باید کسی که عالم و فقیه باشد. و احکام را بدانند؛ اداره می‌کرد تا بتواند حکم شرعی دهد. علم و سواد معمولاً در بین خانواده سادات رواج داشت. و سادات از سوی نقبا کنترل می‌شدند تا دست به کاری که دین شان سادات می‌باشد انجام ندهند. امور وقف در همه مملکتدارای تشکیلات بود مناصب متصدیان دفاتر وقف اداره امور مالی موقوفات متولیان؛ دبیران از علماء بودند کتابهای نوشته شده در این دوره مانند حلیه المتقین علامه مجلسی؛ دارای بابهایی است که از قبل تولد کودک مسلمان دستورالعمل دارد تا پایان دفن فرد مسلمان بدین ترتیب روحانیت. و نیاز به حضور روحانی در همه شئون زندگی مردم پر رنگ بود. و در همه تصمیم گیریها برای زندگی مردم نظر و رای و فتوا علماء ملاک عمل بود قرار می‌گرفت. خاندانهای بزرگ سادات که اکثر اهل علم نی بودند در اقصی نقاط ایران پراکنده بودند. سادات به علت انتساب به پیامبر نزد مردم و حکومت جایگاه اجتماعی خاصی داشتند از دادن مالیات معاف و در همه اموال مردم سهم داشتند و خمس حق سادات بود. که مردم بسیار به آن پای بند بودند. سادات بودن امتیازی بود که در شرایط مساوی جهت تصدی پستی به آنان می‌رسید. تولی (دوست داشتن سادات) جزء فروع دین بود و دین فرد با دوستی آل محمد کامل می‌شد. رشد کتابخوانی مختار نامه د رقهوه خانه‌ها و نقاشی‌های قهوه خانه‌ای همه حکایت از این علاقه به سادات می‌باشد. کتاب فضائل السادات عبدالحسین عاملی در دادن الگوهای رفتاری تا آنجا پیش می‌رورد که حتی ازدواج سادات هاشمی را با غیر هاشمی دارای کراهت دانسته و حتی متعه زن هاشمی به غیر هاشمی را ممنوع کرده

## نقش سادات و علما در حقوق شهروندی عصر صفویه ■ ۷۵

است . و عدوات با سادات را نشانه ولد الزنا بودن فرد می‌داند مردمی بودن سادات و رعایت زهد و تقوا از سوی بسیاری از آنان موجب اعتماد و دوستی مردم نسبت به آنان بود . به طوری که معمولاً مردم جهت رفع مشکلات خود به آنان مراجعه می‌کردند . شاهان صفوی در تمامی فرمانها و نامه‌های رسمی خود همیشه از سادات با عنوان سادات عظام و نقبای کرام نام می‌بردند و حضور سادات در هر مکان نشانه تائید و برکت مدام می‌گردید.

جدول خاندان بزرگ سادات که در ایران حضور داشته‌اند و در منطقه جغرافیایی خود دارای بزرگترین مناصب؛ علمی؛ قضایی؛ و حکومتی بوده‌اند.

ردیف	نام خاندان	توضیحات
۱	خاندان آل کیا	سکونت در گیلان زمامدار آن منطقه شاه اسماعیل نزد اینان بزرگ شد تا زمان شاه عباس در گیلان حکومت می‌کردند .
۲-	سادات عبدالوهابی	سید غیاث الدین بن عبدالوهاب جد اینان بود که در آذربایجان زندگی میکردند شیخ الاسلام منطقه بودند طباطبائی از این خاندان می‌باشند
۳	سادات شریفی شیراز	میر تاج الین علی حسنی ازدواج یا دختر مسر شسید شریف جرجانی منصب کلانتر یرا شیراز در داشتند.
۴	خاندان نعمت الهی	
۵	خاندان سادات استر ابادی	میر فخرالدین از سماک استر آباد (گرگان) شیخ الاسلام سبزواری و منصوب به وزارت
۶	خانـدـان مرعشی	سید قوام الدین مرعشی آملی در مازندران حکومت داشتند مهد علیا مادر شاه عباس از این خاندان بود .
۷	سادات سیفی قزوین	قاضی جهان قاضی القضاة؛ از قبل صفویه در دارای مناصب درباری بودند. با صفویه همکاری کردند و به وزارت صدارت و قضاوت رسیدند .
۸	سادات	بیشتر معرفیت این خاندان در علم و تقوا و خدمات فراوانی

	شهرستان	در حیطه فرهنگی دارند
۹	خاندان انجوی	از سادات مهم شیراز به مناصب امیری قاضی رسیدند عالمان بزرگی بودند از خاندان طباطبای می باشند
۱۰	خانــــــدان دشتکی	اعقاب سید غیاث الدین منصور حکیم و عالمی بزرگی در زمان شاه طهماسب به وزارت رسید
۱۱	خاندان رضوی	از اعقاب موسی مبرقع ابتداء به قم آمدند سپس به مشهد و همدان رفتند مناصب صدر و تولیت آستان قدس را نیز داشتند
۱۲	خاندان خاتون آبادی	از اعقاب میر عبدالحسین خاتون آبادی اینان به عنوان امام جمعه و در اصفهان و تهران ساکن بودند
۱۳	خاندان خلیفه سلطانی	از مرعشیان مازندران بودند به اصفهان خلیفه اسدالله معروف به ماه میر تولیت آستان مبارکه نسل او معروف به خلیفه السلطانی شدند . امام جمعه اصفهان بودند .
۱۴	خانــــــدان مشعشعی	از قبل صفویه در این منطقه خوزستان نقیب بوده اند . در زمان صفویه در هویزه به حکومت رسیدند تا ابتداء زمان رضا شاه اینان حکومت داشتند .
۱۵	خاندان سادات کمونه	از اعقاب مرعشیان؛ سادات رویز رفسنجان سیرجان از دوران معتضد به عنوان نقیب در این منطقه بوده اند
۱۶	خاندان کرکی	از اعقاب محقق کرکی نسل سادات ایشان از طریق دخترانشان بوده از با نفوذترین علما در عصر خود بود مقام شیخ الاسلامی به خاطر وجود ایشان بوجود آمد
۱۷	خاندان سادات جزائری	از اعقاب سید نعمت الله جزائری سه قرن در شوشتر خدمات علمی و فرهنگی کردند مسئولیت تمام اموری شرعی شوشتر، از جمله تدریس علوم دینی، تولیت مسجد جامع و امامت جمعه و امر به معروف و نهی از منکر، به اینان واگذار شده بود
۱۸	خاندان عاملی	از اعقاب سید صالح صدر عاملی از خاندانهای معروف و بزرگ

نقش سادات و علما در حقوق شهروندی عصر صفویه ■ ۷۷

مقام صدر و شیخ الاسلام دو مقام خاص بود صدر تنها از بین سادات انتخاب می‌شد.

مقام دولتی	عالمان دارای منصب
مقام دولتی صدر که نزدیکتر از همه به شاه می‌نشست.	۱- تقی الدین محمد اصفهانی «صدر» دوره طهماسب یکم. ۲. ابوالولی انجو «صدر» عصر محمد خدابنده و اوایل عصر عباس یکم. ۳. میرزا رضی داماد «صدر» عباس یکم. ۴. صدر الدین محمد صدر، «صدر» عباس یکم. ۵. رفیع الدین محمد صدر، «صدر» عباس یکم. ۶. رفیع شهرستانی صدر، «صدر» عباس یکم. ۷. میرزا مهدی اعتمادالدوله وزیر و «صدر» عباس دوم
مقام شیخ الاسلامی عالی ترین مقام روحانی و مطلع ترین مقام قضائی عصر صفویه	۸- حبیب اله صدر صفی یکم ۹- وزیر سلیمان ابو طالب رضوی ابو صالح رضوی میرزا نجف خان در دربار سلیمان ۱۰- محمد باقر بن سید حسن حسینی و میر سید مرتضی صدر حسین یکم - ۱۱- محمد مقیم صدر طهماسب یکم
	محقق کرکی، شیخ حسین عاملی، شیخ علی منشار (پدر زن شیخ بهائی)، شیخ بهائی علامه محمد باقر مجلسی

به روایت تذکره الملوک مقامات عالی در دربار صفوی؛ صدر شیخ الاسلام قاضی؛ قاضی عسک

## نتیجه

با پیروزی صفویان که نسب خود را به حضرت موسی الکاظم (ع) اعلام و خود را سادات می‌دانستند با اعلام مذهب رسمی شیعه تغییرات تازه‌ای جغرافیایی سرزمینهای اسلامی پدیدار گشت. از سویی دیگر شیعیان که در فشار حکومت‌های متعصب دائما در حال مبارزه با حکومت‌های جابر بودند دارای پایگاهی اجتماعی قدرتمندی گردیدند؛ جامعه تازه جان گرفته شیعه نیاز به قوانین و مقرراتی مطابق با فقه شیعه داشت و این امر تنها به دست فقیهان دین میسر می‌گردد. برای گسترش شیعه نیاز به مبلغان شیعی بود؛ در شهرهای بزرگ عالمان شیعی با کمک حکومت دست به تاسیس حوزه‌های علمیه و تربیت طلاب زدند تا با فراگیری فقه شیعه مردم را با اصول و فروع مذهب رسمی آشنا کنند. همپا با تاسیس حوزه‌های علمیه وقف جهت تامین مالی حوزه‌ها گسترش یافت و دارای تشکیلات عریض و طویل گردید که در مناصب اساسی و مالی آن نیاز به حضور علماء بود مردم در زندگی دچار مشکلاتی می‌گردیدند که به قضاوت نیاز بود و تنها عالمان بودند که فقه می‌دانستند و حق نشستن بر این منصب و دادن حکم را داشتند.

از سویی دیگر با توجه به سیادت صفویه و جایگاه و منزلت اجتماعی سادات در ایراناز قدیم الایام سلسله صفویه در رواج و گسترش این احترام این طبقه تلاش بسیاری کرد. نویسندگان با نوشتن کتابها و استفاده از آیات قرآنی و رواج احادیث ائمه در خصوص عترت و خاندان پیامبر روز به روز بر جاه و جلال سادات افزودند. سادات در جامعه صفوی طبقه ممتاز محسوب می‌گردید. از سویی دیگر علم و عالم شدن در این طبقه نسبت به دیگران گسترش بیشتری داشت و در اکثر مناطق این سادات بودند که از ابتدا به کودکان آموزش می‌دادند. و اکثر علماء از این طبقه بودند. در بیشتر مناصب عالمان سادات دیده می‌شدند و در مناصبی مانند صدر و نقیب به غیر از سادات محسوب نمی‌شدند. از این رو؛ سادات و علماء بسیار به هم نزدیک بودند و بیشتر در یک طبقه قرار می‌گرفتند. علماء و سادات در تمامی تشکیلات حکومتی حضوری پررنگ داشتند. تنها تعداد انگشت شماری از علماء همچون مقدس اردبیلی؛ شیخ ابراهیم قطیفی؛ شیخ عبدالعالی بن علی کرکی و میر ابوالقاسم فندرسکی اصلا" به حکومت نزدیک نشدند.

## نقش سادات و علما در حقوق شهروندی عصر صفویه ■ ۷۹

قوانین و هنجارهای جامعه توسط علماء نوشته می‌شد و فتوا و نظر علماء ملاک قرار می‌گرفت. این قوانین از تولد تا مرگ را در بر می‌گرفت. تشکیلات قضا و قضاوت در جامعه به عهده علماء بود و اجرا و نظارت بر انجام حدود و قوانین نیز توسط علماء صورت می‌گرفت. نهاد گسترده آموزش و پرورش از مکتب‌خانه تا حوزه بزرگ علمیه را علماء و سادات با درجه علمی متفاوت اداره می‌کردند. موقوفات گسترده زیر نظر صدر به عنوان بزرگترین مقام روحانی کشور اداره می‌گردید. متفکران و علماء بزرگ شیعه در خصوص هر پدیده جدید در جامعه مانند غلیان و تنباکو؛ قهوه کتابها نوشته‌اند و به زبان امروزی تئورسین‌های جامعه و یا اتاق فکر در بار علماء بودند. و میزان این نزدیکی و اقتدار در دوران حکومت هر شاه با توجه به علائق و تعصبات و شخصیت شاهان صفوی متفاوت بوده است و گاه شاه؛ ضمن احترام و حضور علماء در مناصب؛ زمام امور را خود در دست می‌گرفته مانند شاه عباس اول و گاه شاه خود را مجری علماء می‌دانست مانند شاه حسین. در مجموع باید گفت در حکومت مطلقه پادشاهی صفوی نظر و رای علماء اساسی‌ترین نقش را در حقوق شهروندی مردم ایران در عصر صفویه ایفاء می‌کرد. خانه سادات در همه کشور محل مراجعه و حل مشکلات مردم بود.

### منابع و ماخذ

- ابدال پیر زاده زاهدی؛ حسین : سلسله النسب صفویه (برلین چاپخانه ایرانشهر ۱۳۴۳) قابل دسترسی از طریق کتابخانه‌های مجازی نیز می‌باشد .
- آقا جری سید هاشم - الهیاری؛ حسن. جایگاه سادات در منصب کلانتری در... مجله جامعه شناسی دروه ۷ شماره ۱ بهار و تابستان . ۱۳۹۴
- باستانی پاریزی ؛ محمد ابراهیم ؛ سیاست و اقتصاد عصر صفوی ؛تهران چاپخانه صفی علیشاه ۱۳۸۷.
- تاورانیه هژ؛ ب: سفرنامه تاورانیه ترجمه ارباب شیرانی ؛ حمید ؛ چاپخانه نیلوفر (تهران ۱۳۸۲ق).
- ترکمان ؛ اسکندر بیک (منشی): عالم آرا عباسی ؛ به کوشش ایراج افشار ج ۲؛ (تهران -صفهان . ۱۳۳۵
- پارسا دوست ؛ منوچهر ؛ شاه اسماعیل اولچاپخانه حیدری؛ تهران ۱۳۷۵.
- جعفریان ؛ رسول . صفویه در عرصه دین و سیاست ج ۱و ۲ و ۳ ناشر پژوهشکده حوزه و دانشگاه ؛قم - یاران زمستان ۱۳۷۹.
- زارعیان ؛مریم ؛مناسبات روحانیان با دولت در عصر صفوی ؛مجله جامعه شناسی دوره ۴ شماره ۲ پاییز زمستان . ۱۳۹۱.
- سیوری ؛ راجر ؛ ایران در عصر صفویترجم کامبیز غزیزی نشر مرکز ؛ تهران ۱۳۶۶.
- اصغر فردی؛ سلسله سادات الاعرجیه. تهران ۱۴۳۳، کتابخانه مجازی. اینترنت.
- میرزا سمیا؛ محمد سمیع ؛دبیر سیاقی ؛(به کوشش) حاشیه نویس مینو سکی ؛ولادیمیر؛ مترجم رجب نیا؛ مسعود؛ ناشر امیر کبیر ؛تهران ۱۳۷۸.
- میر احمدی ؛ مریم ؛ دین و دولت در عصر صفوی ؛امیر کبیر تهران ۱۳۶۹.
- نصر آبادی اصفهانی ؛محمد طاهر ؛تذکره نصر آبادیتصحیح محسن ناجی نصر آبادی نشر اساطیر تهران . ۱۳۷۸ .
- نوائی؛ عبدالحسین ؛شاه طهماسب صفوی ؛ انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ؛تهران ۱۳۵۰.